



سلسله ها و طریقت های عرفانی در آفریقا/ شیعه شدن مسلمانان آفریقا بدست عارفان شیعی بوده است

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی گفت: شیعه شدن مسلمانان آفریقا تقریباً به دست عارفان مسلمان بوده و آن صوفیان و وارثانی که حاملان اسرار الهی و علم ذوقی و شهودی بودند با اینکه تبلیغات القاعده...

یک پژوهشگر فلسفه و عرفان اسلامی گفت: شیعه شدن مسلمانان آفریقا تقریباً به دست عارفان مسلمان بوده و آن صوفیان و وارثانی که حاملان اسرار الهی و علم ذوقی و شهودی بودند با اینکه تبلیغات القاعده وهابیون یا سلفیون بسیار در مذهب اهل سنت و جماعت زیاد بوده ولی تعالیم عرفان و تصوف اسلامی باعث شده که امر ولایت و امامت همیشه در این سرزمین جاری باشد.

دکتر علی محمد صابری، استاد گروه فلسفه دانشگاه فرهنگیان در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد سفرش به آفریقا و بررسی سلسله های عرفانی در این قاره گفت: دیمه سال گذشته درسفری که به آفریقا داشتم راجع طریقه های عرفانی آفریقا به خصوص کشور الجزایر تحقیق کردم. عرفان و تصوف اسلامی فقط در مرزهای فرهنگی ایران به عنوان یک میعاد گاه و خاستگاه مسلمانان باقی نمانده بلکه با نفوذ سلسله های عرفانی به سایر بلاد مسلمین به خصوص سرزمین آفریقا رواج یافت. به یک معنا عرفان و تصوف اسلامی عامل تشیع مردم آفریقا شد یعنی شیعه شدن مسلمانان آفریقا تقریباً به دست عارفان مسلمان بوده و آن صوفیان و وارثانی که حاملان اسرار الهی و علم ذوقی و شهودی بودند با اینکه تبلیغات القاعده وهابیون یا سلفیون بسیار در مذهب اهل سنت و جماعت زیاد بود ولی تعالیم عرفان و تصوف اسلامی باعث شده که امر ولایت و امامت همیشه جاری باشد و در طریقت باطنی و اصول دیانت آنها همیشه به دنبال اولیای الهی باشد و به آنها ارادت ورزد.

وی افزود: نسل هایی در آفریقا تربیت شده که اینها مثال اصالت و حکمت معنوی هستند. زنان و مردان مومن و پرهیزگاری را می بینید که به شخصیت های معنوی و ربانی عشق می ورزند و از آنها پیروی می کنند. در واقع معنویتی که اهل طریقت تعلیم دادند تا به امروز به صورت یک واقعیت پایدار در سرتاسر قاره آفریقا که اکثریت آن ساکنانش مسلمان هستند به جا مانده است. این عارفان که عرفانی ربانی و رهبران معنوی بودند و سیاسی نبودند روح دین را در میان ساکنان بومی آفریقا بر عهده داشتند و به سرعت هم گسترش پیدا کرد.

صابری اظهار داشت: این رهبران عرفان از قرن هفتم هجری با تأسیس زاویه ها و تکایای دینی (زاویه به کاروانسرا و محلی می گویند که برای تحصیل معارف دین باشد) ته معارف کسبی بلکه معارف حضوری که این زاویه ها به یک معنا در آفریقا مرکز تمدن شده بود و در این زاویه ها مریدان عشق و احترام و ارادت خود را به شیخ و پیر خودشان معطوف می کردند و مشایخ عرفان هم با تزکیه و تهذیب نفس روح آنها را به معارف الهی و قدسی و با عمل به دستورات دینی و اخلاقی راه نجات و رستگاری را پیدا می کردند. هدف این رهبران نه حکومتی و نه سیاسی بود بازگشت به یک نوع خلوص نیت و معنویت بود و آنها دارای یک شجره معنوی هستند که به علی(ع) و سپس از طریق او به پیامبر می رسد این بود که به امور دینی آنها، مشروعیت بخشید و این کارشان در واقع بر اساس یک نوع اجازه نامه بود. دین را هم به یک سازمان عرفی و اجتماعی یا صرفاً یک حکومت سیاسی، بلکه با اینکه در فروع دیانت یا جنبه های فقهی و شریعتی مذاهب اهل سنت آنجا هستند. مالکی، حنفی و شافعی و اینها .

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی تصریح کرد: ولی با وجود اینها می بینیم که در اصول دیانت و در سیر و سلوک الی الله آنها کاملاً شیعه هستند. به ولایت علی(ع) اقتدا می کنند. در شمال شرق آفریقا یک سلسله عرفانی قوی به نام شاذلیه را می بینیم که ابوالحسن شاذلی موسس آن بود. در قرن هفتم هجری در شمال مغرب متولد شد نسبش با 17 واسطه به امام حسن مجتبی می رسد و کاملاً یک شریف زاده حسنی است و آنها را می بینیم که در تربیت یک شیخ عبدالسلامی قرار می گیرد . به ولایت علی(ع) اقتدا کرده و جالب اینکه تعالیمش کاملاً سینه به سینه و ذوقی است و ابوالحسن شاذلی هرگز کتابی نمی نویسد. خودش می گوید شاگردان من کتاب های من هستند.

وی تأکید کرد: می بینیم که اصولی که این طریقه دارد و اخلاص و توبه ، نیت خالصانه و حرکت به سوی خدا است خلوت و عزلت انسان با خدای خود است. جهاد با نفس است دل نبستن به دنیا است، عبودیت و بندگی ذکر قلبی و اوراد لسانی است. ورع و زهد و توکل و رضا است. خود شاذلی در مصر در می گذرد و مقبره اش زیارتگاه اهل عرفان و تصوف می شود و بعد جانشینان آن.

این استاد دانشگاه فرهنگیان در مورد سلسله رفاهیه هم گفت رفاهیه بیشتر در مصر است. سلسله های عرفانی که قدیمی ترین سلسله های عرفانی توسط ابوالعباس احمد بن علی مشهور به ابن رفاهی در قرن 5 و 6 تأسیس و گسترش پیدا کرد. ما این سلسله را بیشتر در مصر و بعد در فلسطین و مالزی و سوریه می بینیم. طالبان حقیقت در این سلسله باید دست ارادت به شیخ عارف دهند و بعد از بیعت بر اساس آن عهده ای که کردند تعلیم و تربیت می شوند. مصر هم تا به امروز یکی از مراکز مهم عرفانی در آفریقا بوده شما کافی است یک عصر سه شنبه به مسجد رأس الحسین در قاهره بروید تا به میزان زنده بودن عرفا در سرزمینی آگاه شوید که قرن ها شاهد حضور برخی از بزرگترین عرفا و صوفیان مسلمان بود.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: سلسله دیگر عرفانی در آفریقا تیجانیه است که مقتدرترین و گسترده ترین سلاسل عرفانی در آفریقا است. یعنی این سلسله ها توسط شیخ احمد محمد تیجانی جاری شد. این هم از سادات خواجه حسنی است وی در قرن دوازدهم هجری قمری در الجزایر متولد شد. بعدها به مراکش مهاجرت کرد و با عرفای زیادی ارتباط پیدا کرد. در سال 1186 قمری به تلقین شیخ محمد کردی با شیخ طریقه خلوتیه ارتباطی برقرار می کند. ایشان اجازه ارشاد و تهذیب فکر می دهد.

این استاد دانشگاه فرهنگیان تصریح کرد: وی مریدان زیادی تربیت کرد در 80 سالگی هم در گذشت. پیکرش در همان مراکش به خاک سپرده شد که خودش زیارتگاهی شد. من به شاگردان او به شیخ علی حرازم صاحب کتاب جواهر المعانی و ابراهیم بن عبدالله نیاز که در دوره جدید بعد از جانشینانش است خودش را قوس و قزح عصر و البته نه امام زمان می نامید یعنی به عنوان رهبر یک طریقه عرفانی که به عنوان شیخ، جانشین بود مهمترین اعتقادات در مورد سلسله تیجانیه است که بر خلاف اهل سنت که می گویند چرا شیعه هستید. همه این سلسله های عرفانی در طریقه باطنی ما وقتی به مهمترین اصول اعتقادی و فکر ای اشان نگاه می کنیم می بینیم که اصلاً اینجا با اصول فکری اهل سنت متفاوت است.

این محقق و پژوهشگر حوزه فلسفه و عرفان اسلامی عنوان کرد: اصل اول نبوت است و توسل به انبیاء و همچنین امامان و اولیای الهی. پیامبر(ص) را در مرکز توجه قرار می دهند و می گویند که قرآن برای اینکه کلام بر حق خداست و پیغمبر آن را به نطق در آورده آن هم کاملاً محفوظ است و در همه جوانب پیامبر عصمت دارد اما ما می بینیم که از دیدگاه اهل سنت می گویند پیامبران معصوم نیستند فقط در بازگو کردن وحی معصوم هستند. اما عارفان و شیعیان واقعی تیجانیه معتقدند بر اساس آیاتی چون این آیه که پیغمبر از روی هوا و هوس سخن نمی گوید وحی الهیاست یا قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحبکم الله و یغفر لکم ذنوبکم و الله غفور رحیم که می گوید پیامبر در همه جوانب معصوم است. خیلی جالب بود در یکی از کتاب های احمد تیجانی که فرمایش حضرت علی(ع) را در نهج البلاغه آورده بالاترین جایگاه ها و عزیزترین ریشه ها را دارد عترت او بهترین عترتهاست و رسالت و فرودگاه مومنان و فرشتگان هستند که می توانند فرامین الهی را آنجا اجرا کنند و از آنجا به معراج روند.

صابری اظهارداشت: در مورد امامت و ولایت هم بهترین راه کسب الهی و توفیق هدایت و نجات توسل به اهل بیت پیامبر و اولیای الهی می دانند می گویند عارفی که به فناء فی الله می رسد آنها اربابان معرفت هستند و می توانند جزء اولیای الهی قرار بگیرند. و در تزکیه باطنی باشند اما ما می بینیم که اهل سنت به ولایت و امامت بعد از پیامبر اصلاً اعتقادی ندارند و فقط خلفای راشدین را به عنوان حکومت ظاهری پذیرفته اند. اما عارفان می گویند باطن رسالت همان ولایت و امامت انسان کامل است که جنبه علی الحقی و مقام معنوی و دعوی باطنی و طریقت و سلوک الهی هر نبی و رسولی است. بعدش هم هر امامی فقط عمل به فروع شریعت نیست بلکه درواقع اصول دیانت هم است که طریقت است.

وی افزود: خیلی جالب است. اینها می گویند که سقیفه بنی ساعده و اختلافاتی که بعد از غدیر خم به وجود آمد اجتهاد را در برابر نص صریح قرار داد این خودش منشأ تمام کج روی ها بوده که علم امام و اولیای الهی را لدنی می دانند که به زیاده در درس دادن و درس خواندن نیست. بلکه به فرمایش پیامبر(ص) نوری است که خداوند در دل هر کسی بخواهد قرار می دهد. اینها معتقدند اولیای الهی معصوم هستند و تقید به احکام شرع دارند. خیلی از اینها ممکن است مالکی مذهب باشند مثل همین سید محمد تیجانی که بعدها هم شیعه شد. و کتاب های «اهل بیت»، «اهل سنت واقعی»، «از آگاهان بپرسید»، «کلید حل مشکلات» و «همراه با راستگویان» دارد به قم هم آمد می بینیم اینها تقیدی به احکام شرع دارند و در طریقت همه شیعه هستند. در پایان به عنوان نتیجه گیری عرض می کنم اگر عرفان اسلامی باشد اسلام ترویج می شود و حیات مجدد پیدا می کند و زنده می شود و از موزه 1400 ساله بیرون می آید. این چنین است که با سلوک الی الله، اسلام تجدید معنوی پیدا می کند و اختلاف شیعه و سنی هم با عرفان به کلی از بین می رود. عارفان هم شیعه و هم سنی واقعی هستند و شعاع نور الهی در دلشان تابیده و برای اینکه بنابر سنت پیامبر که فرمود من کنت مولا فهذا علی مولا به سفارش پیامبر درجانشینی اش عمل کردند و به پیروی او درآمدند اینچنین است که اختلاف شیعه و سنی کلاً از بین می رود.